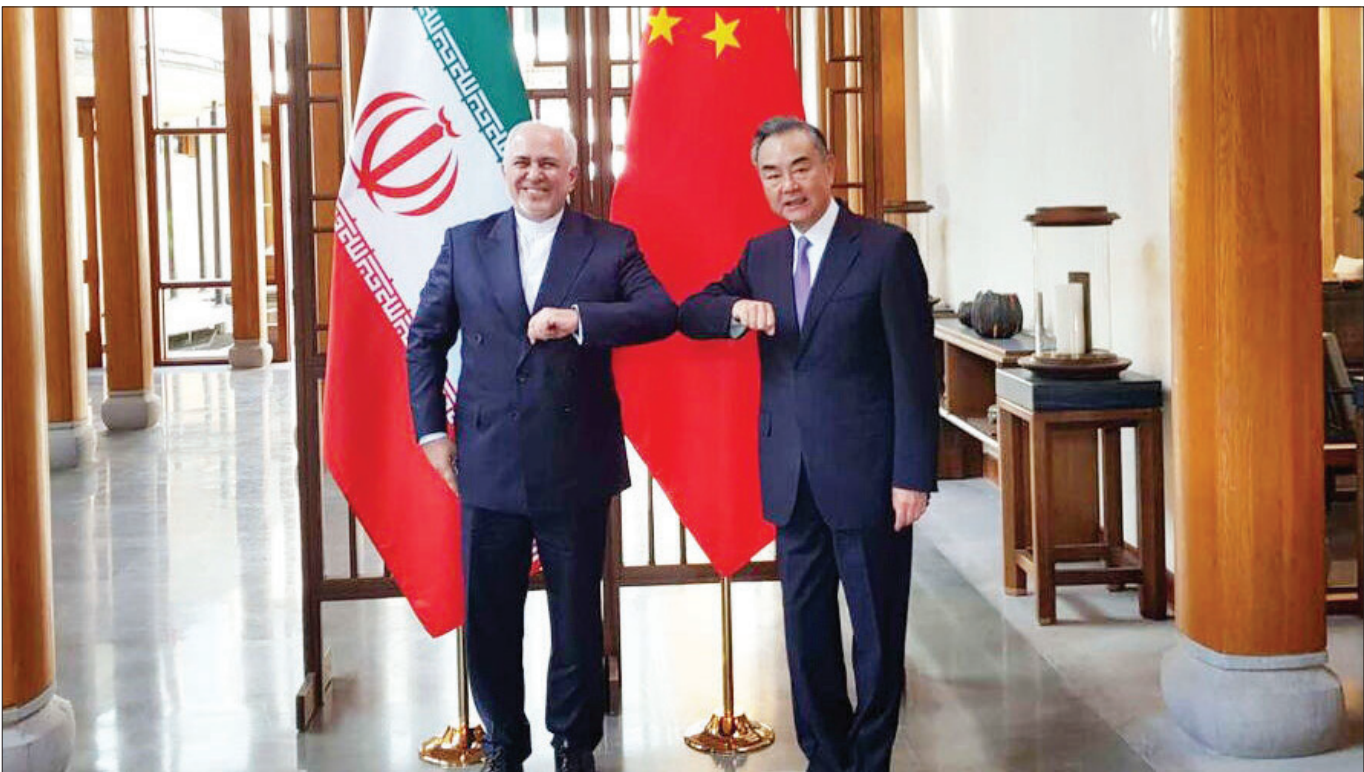


«فرهیختگان» به بهانه سفر ظریف به چین تحلیل می‌کند

روابط دیرجوش با شرق تا ۱۴۰۰



صورت ناآمن شدن دریا در نقطه‌ای مانند تنگه مالاکا امکان استفاده از ترانزیت زمینی و رسیدن به غرب از مسیر ایران وجود دارد، آنگاه شاید وضعیت به گونه دیگری واقع شود. **جهان** نادیده گرفتن شرق به معنای نادیده گرفتن صرفا کشور چین نیست، بلکه به معنای نادیده گرفتن بخشی از کشورهایی است که می‌توانند طرف تجاری ایران باشند و در بعدی بالاتر تامین کننده تکنولوژی‌ها یا مواردی از این دست هم بشوند. روس‌ها امکان قابل توجهی برای نقش آفرینی در این حوزه دارند، اما آیا مذاکره برای تمدید توافق ۲۰ ساله کافی است؟ یا اینکه آیا مقاومت بدنه وزارتخانه‌ها و برخی مدیران در برقراری ارتباط و تحقق توافقات قبلی با مسکو قابل چشم‌پوشی است؟ همکاری‌ها در حوزه انرژی یا امکانی که آنها برای جایگزینی واسطه‌گری انگلیسی‌ها و برخی دیگر از کشورهای غربی در واردات خوراک دام دارند، اکنون فرصت بزرگی است که با بی‌توجهی‌ها درحال کنار گذاشتن است و طبیعتا بعد از این نمی‌توان انتظار زیادی از آنها داشت. با از نسوی دیگر امکانی که کشورهای نزدیک به ما چون پاکستان، هند، چین و... در حوزه تولید برخی داروهای کالاهای پزشکی چون برخی داروهای ضدکرونا دارند فرصتی است که می‌تواند بخشی از مشکلات این روزهای کشور را مرتفع سازد و قاعدتا در این مسیر مشکل کمتری نسبت به همکاری ایران با کشورهای غربی دیده می‌شود. همکاری با پاکستان که مرز مشترک بزرگی با ایران دارد و ظرفیت قابل توجه تجاری از آن کارهایی است که مسلمانان تاکنون مغفول مانده و مورد استفاده قرار نگرفته است.

پنج نکته بسیار مهمی که در همه این موضوعات و روابط باید مدنظر داشت این است که انداختن بار تمام این مشکلات و سختی‌ها به دوش وزارت خارجه نه عقلانی است و نه اساسا از نظر چارت سازمانی وظایف قانونی ربطی به محمدجواد ظریف و همکاریانش پیدا می‌کند. بخش عمده‌ای از این مسائل، موضوعاتی است که وزارت خارجه نقش بسیار اندکی در تسهیل آنها می‌تواند داشته باشد و این دیگر وزارت و وزارتخانه‌های دولتی هستند که باید فعال شده و کار را جلو ببرند، اینکه هرکدام از آنها منتظر بمانند تا وزارت خارجه برای رفع تحریم‌ها پیش قدم شود حتما فرصت‌سوزی و اشتباه راهبردی بزرگی است که هم باید مورد توجه کارشناسان و رسانه‌ها باشد و هم مردمی که می‌خواهند درباره دولت قضاوت کنند.

آنچه در بالا ذکر شد البته بخشی از ده‌ها نکته‌ای است که امکان بیان آنها وجود دارد و البته صدها موضوعی که جای بیان آنها در رسانه نیست و خلاصه امر اینکه دولت در تجارت خارجی و همکاری با کشورهای که حتی در دوران تحریم هم امکان همکاری با آنها وجود دارد چوب کم‌کاری‌هایش در سال‌های گذشته را می‌خورد.

خود احساس می‌کنند آماده همکاری با ایران هستند، این همکاری البته منوط به ارائه پیش‌نویس طرحی حساب‌شده از سوی دولت ایران است که علاوه بر منافع ملی کشور، منافع طرف چینی را هم تامین کند و به اصطلاح برای آنها بصرفه در ایام تحریم با ایران همکاری داشته باشند. در این خصوص ارائه طرح‌هایی که عدم اطمینان از آینده را برای چینی‌ها در پی داشته باشد یا در میانه راه پای طرف یا عاملی از عوامل اردوگاه غرب مانند اماراتی‌ها را به میان بکشاند حتما با در بسته مواجه خواهد شد و توفیقی به دنبال نخواهد داشت. البته این مساله به هیچ عنوان بدین معنا نیست که کشور به طرف چینی فروخته شود یا منافع ملی ایران نادیده گرفته شود، چرا که حتما ایده‌هایی هست که به وسیله آنها چینی‌ها بتوانند اطمینان حاصل کنند منافع بلندمدتی در غرب آسیا خواهند داشت. برای مثال اگر آنها امیدوار باشند که از مسیر امن ایران و به‌صورت زمینی بخشی از نیازهای خود چون انرژی را تامین خواهند کرد یا اینکه در

که طرف ایرانی مشغول فراهم کردن سفر اروپایی دولت به ایتالیا و فرانسه بود چگونه رنجش خاطر یافت و اساسا با مشاهده سردی در طرف میزبان، نوع دیگری از کنشگری بسا ایران را متفاوت از آن چیزی که پیش‌تر گمان می‌کرد در پیش گرفت. علاوه بر این یک سوال مهم از دولت این است که چه شد بعد از خروج آمریکا از برجام و وقوع چالش‌های اقتصادی به جای رئیس‌جمهور، رئیس‌مجلس از سوی ایران و رئیس‌هیات‌دولت راهی پکن شد و آیا این اتفاق ریشه‌ای در دلخوری طرف چینی از رفتارهای گذشته دولت روحانی نداشته است؟

سوم شکل‌گیری هرگونه توافقی با طرف چینی یا هر کشور دیگری مخصوصا در دوران تحریم الزامات و بایسته‌های خود را دارد. چینی‌ها امروز خودشان با تحریم‌های آمریکا مواجهند اما به هر روی به دلیل نیاز به انرژی ایرانی (به دلیل قرار نداشتن ایران در اردوگاه سیاسی طرف مقابل) و از طرف دیگر نیاز ژئوپولیتیکی که برای تجارت و البته امنیت

به ایام انتخابات و ماه‌های اولیه فعالیت دولت یازدهم است که از یک‌سو روحانی برای انتقاد از دولت قبل می‌گفت برای کارگران چینی شغل ایجاد کردیم و از سوی دیگر وزیر نفت میادین نفتی و قراردادهای قبلی با چینی‌ها را نادیده می‌گرفت و مسبب توقف همکاری با آنها می‌شد.

دوم بعد از اجرای برجام، اولین میهمان خارجی سعیدآباد، رئیس‌جمهور چین بود، همان سفری که گفته می‌شود در آن ۱۷ سند همکاری میان طرفین امضا و حتی پایه توافقی ۲۵ ساله هم گذاشته شد. اتفاقا اینجا دقیقا همان جایی است که باید از دولت سوال کرد، اینکه چه شد در آن سفر توافقات ۲۵ ساله پایه‌گذاری شد اما سال ۹۹ پیگیری آن صورت گرفت و در این بازه پنج‌ساله این توافقات کجا بود و به چه سرنوشتی دچار شد؟ البته حالا دیگر همه می‌دانند که در آن سفر که می‌توانست سفری تاریخی برای دوره جدید روابط خارجی ایران باشد، رئیس‌جمهور چین به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد دنیا در روز دوم سفر و درحالی

عضو کمیسیون امنیت ملی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

متاسفانه دولت روحانی بیشترین وقت خود را با اروپایی‌ها گذراند

گذراند و در برجام و سایر موارد تاثیر خاصی نیز نداشت، از این رو آن‌طور که شایسته بود ما با کشورهای همسایه و عمدتا شرقی روابط تعریف‌شده و پررنگ‌داشتیم.»

دولت تا پایان کار خود روابطش را با کشورهای همسایه پررنگ کند.

مالکی در پاسخ به سوال دیگری مبنی بر اینکه آیا سفر اخیر آقای ظریف به چین می‌تواند کمک‌کننده ایران در مواجهه با تحریم‌ها و کمبودهای احتمالی ارزی باشد، گفت: «تاکید ما به دستگاه دیپلماسی و شخص وزیر امور خارجه که چندی پیش به کمیسیون امنیت ملی آمده بود، این بوده است که دولت باید در زمان باقی‌مانده، روابط خود را با کشورهای همسایه پررنگ جلوه دهد، چرا که این موضوع در روابط تجاری و سیاسی موثر است.» عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس بر همین اساس افزود: «این روابط هم به نفع ایران و هم به نفع چین و روسیه به عنوان کشورهای قدرتمند در سطح جهانی است که می‌توانند در حوزه‌های مختلف و معادلات بین‌المللی نقش آفرین باشند.»

ایران و چین نبوده است، هرچند در این باره نیز صحبت خواهد شد.»

قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین باید در مجلس بررسی شود

مالکی با تاکید بر اینکه قرارداد ۲۵ ساله باید مسیر اصلی خود را طی کند و قرار نیست در این سفر قراردادی منعقد شود، یادآور شد: «این قرارداد باید در مجلس بررسی شده و همه بندهای آن مورد توجه قرار گیرد.» عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با بیان اینکه احتمال می‌دهم رایزنی برای قرارداد ۲۵ ساله در این سفر در حد تاکید کردن باشد، گفت: «شاید دولت چین تمایل داشته باشد با دولت آینده ایران این قرارداد بسته شود.»

متاسفانه دولت روحانی بیشترین وقت خود را با اروپایی‌ها گذراند

وی درخصوص رویکرد دولت روحانی نسبت به کشورهای شرقی ازجمله چین و روسیه، اظهار داشت: «دولت فعلی متاسفانه بیشترین وقت خود را با اروپایی‌ها

برای گسترش روابط تجاری بسیار مهم و از هر جهت این روابط ضروری است.» مالکی با اشاره به وجود مرز ۹۰ کیلومتری مشترک بین چین و افغانستان، خاطرنشان کرد: «این مساله می‌تواند نزدیک‌ترین موقعیت را برای جمهوری اسلامی از لحاظ سرمایه‌گذاری ایجاد کند.»

انتخابات آمریکا و توافق ۲۵ ساله رویکردهای سفر ظریف به چین

سفیر سابق ایران در افغانستان با اشاره به اهداف سفر ظریف به چین گفت: «تثبیت موقعیت تجاری، بحث درباره تفاهم ۲۵ ساله ایران و چین و توجه دادن چین به معادلات روز دنیا ازجمله شیفت‌های آمریکا و رایزنی درباره انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از مباحثی است که احتمالا در این سفر مطرح خواهد شد.» وی این سفر را تقویت‌کننده روابط تجاری-سیاسی با چین برشمرد و درباره قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین خاطرنشان کرد: «توجه به این نکته ضروری است که این سفر صرفا برای قرارداد ۲۵ ساله

فداحسین مالکی عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به تشریح اهداف سفر ظریف به چین و رویکردهای دولت به کشورهای شرقی ازجمله چین و روسیه پرداخت. مالکی با اشاره به موقعیت سوق الجیشی جمهوری اسلامی، اظهار داشت: «با توجه به این شرایط ایران، هم کشورهای همسایه برای رابطه با ایران تمایل دارند و هم این تمایل از سوی جمهوری اسلامی وجود دارد.»

روابط چین و روسیه با ایران در صحنه‌های بین‌المللی حائز اهمیت است

عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس با تاکید بر اینکه روابط ما با چین و روسیه روابط تعریف‌شده براساس رعایت منافع دو کشور است، تصریح کرد: «ارتباطاتی که این دو کشور در صحنه‌های بین‌المللی با جمهوری اسلامی دارند، بسیار حائز اهمیت است.» وی با اشاره به موقعیت خاص چاپهار و زمینه‌های تجاری فراوان در ایران یادآور شد: «نزدیک شدن این دو کشور به جمهوری اسلامی

کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

مواضع و تحریم‌های ترامپ سبب سرعت دادن به رابطه ایران با چین شد

همکاری نزدیک‌تری داشته باشد تا بتواند مشکلات داخلی اعم از اقتصادی، روابط منطقه‌ای و بین‌المللی را حل و تنظیم کند.

قرارداد ۲۵ ساله با چین را نیز در همین زمینه ارزیابی می‌کنید؟

چین اگر قدرت برتر کنونی یا آینده نباشد، قطعا یکی از مهم‌ترین قدرت‌های تعیین‌کننده در دهه آینده است. چنین ظرفیتی از لحاظ فناوری و تولید می‌تواند هم از یک طرف محلی برای فروش نفت یا مصرف انرژی یا یک همکاری نزدیک در زمینه مسائل انرژی با ایران باشد و هم به دلیل جمعیت و بازار مصرف مورد توجه باشد؛ متقابلا بازار ۸۰ میلیونی مصرف ایران هم می‌تواند نقطه مشترک برای این همکاری در نظر گرفته شود.

البته این قرارداد ۲۵ ساله به‌دلیل به‌خوبی دیده نشده و با حدس و گمان‌هایی جهت‌های خاصی به قرارداد داده شد که درست نیست.

قرارداد همکاری در ازمدت یا چین منجر به شکل‌دهی اقتصاد کشورمان می‌شود درمجموع معتقدم اینکه قرارداد همکاری درازمدت با یک کشور تاثیرگذار فی‌النفسه می‌تواند به شکل‌دهی اقتصاد کشورمان کمک کند و در عین حال می‌تواند ناهنجاری‌هایی را که در اقتصاد ما وجود دارد، از بین ببرد. اگر ماناهنجاری‌هایی در اقتصاد خود داشته باشیم، طبیعی است که نمی‌توانیم همکاری منطقه‌ای یا بین‌المللی مخصوصا همکاری دوربرد و درازمدت یا استراتژیک داشته باشیم، بنابراین به‌عقیده من این قرارداد فی‌نفسه باعث می‌شود ناچار شویم به سمت اصلاح ساختاری حرکت کنیم.

سرعت دادن به این رویکرد شد؛ به گونه‌ای که دست‌اندرکاران سیاست خارجی به این نتیجه رسیدند که ترامپ آن روش سازنده را در پیش نگرفته و حتی روش تخریبی را مدنظر دارد.

ایران برای حل مشکلات داخلی، اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب نگاه به شرق حرکت کرد

از سوی دیگر اروپا نیز به وظیفه تاریخی خود عمل نکرده است، بنابراین ایران برای اینکه آن توازن را حفظ کند، تلاش کرد درون برجام جلو برود ولی وقتی ترامپ برجام را از بین برد، ایران به این سمت کشیده شد که بتواند برای حل مشکلات داخلی، اقتصادی، منطقه‌ای و بین‌المللی در قالب نگاه به شرق حرکت کند. البته این باید در نظر گرفته شود که شرق ممکن است کشورهای متعددی به جز چین و روسیه باشد؛ روسیه قدری وضع متفاوتی دارد، چرا که همسایه و قدرت تاثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی است و چنین ظرفیت اقتصادی دنیای آینده است.

تحریم‌های اخیر در ایسن راهبردی که بیان کردید چقدر برای مقابله و مواجهه با تحریم‌های جدیدی که اعمال شده موثر است؟

به دلیل اشتباه محاسباتی ترامپ که فکر می‌کند با تداوم فشار حداکثری می‌تواند ایران را پای میز مذاکره بیاورد و در عین حال به دنبال فروپاشی حکومت است، ایران برای اینکه قدرت بازگرمی خود را افزایش و زمین‌مانور خود را گسترش دهد، چاره‌ای ندارد جز اینکه با قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

اگر به هفت سال اخیر بازگردیم، خواهیم دید آنچه در برجام محقق شد، خواست سیاسی ایران بود که می‌خواست با جامعه بین‌المللی کار کند و اصولا اکنون آن مفهوم سنتی شرق و غرب در سیاست خارجی کشورها وجود ندارد.

مفهوم سنتی غرب و شرق طبق جنگ سرد از بین رفته است

در حال حاضر شرایط به گونه‌ای شده که هم شرق با شرق، هم غرب با غرب، هم شرق با غرب و هم غرب با شرق باید با هم تعامل سازنده داشته باشند تا هم مشکلات منطقه‌ای و هم مشکلات داخلی و بین‌المللی را حل کنند. بنابراین حالتی که قبلا وجود داشت و به عنوان شرق و غرب در جنگ سرد شاهد بین‌المللی کشورهایی که تاثیرگذار هستند، جلو می‌رود. وقتی به صحنه شطرنج منطقه‌ای نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم که متاسفانه رویکردی که ایران در ۱۰ سال گذشته به جامعه بین‌المللی داشته است، از درون برجام به خوبی درک نشد و به مسائل هسته‌ای فروگذاشته شد، درحالی که برجام به دنبال این بود که یک الگوی رفتاری جدید در سیاست خارجی باشد و نشان دهد با جامعه بین‌المللی تعامل سازنده و مثبت دارد.

تحریم‌های ترامپ باعث سرعت دادن به رویکرد رابطه با چین شد

متاسفانه ترامپ تمام زیرساخت‌های این رویکرد را از بین برد و شرایط را به گونه‌ای رقم زد که ایران به‌دلیل عیدیه حتی قبل از اینکه ترامپ چنین شعبده‌بازی‌ای راه بیندازد ظرفیت همکاری با شرق را داشت ولی رئیس‌جمهور آمریکا باعث

نصرت‌الله تاجیک، کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی روابط دولت با کشورهای شرقی ازجمله چین و روسیه پرداخت که در ادامه می‌آید.

۱۱۱

تحلیل شما درباره روابط دولت ایران با کشورهای شرقی خصوصا چین و روسیه چیست؟

در سیاست خارجی ایران برای حفظ توازن قوا و نگه داشتن فاصله از قدرت‌های تاثیرگذار منطقه‌ای و بین‌المللی دو مولفه بسیار تاثیرگذار است که یکی مولفه ژئوپلیتیکی و دیگری مولفه سیاسی است. در مولفه ژئوپلیتیکی پهنه جغرافیایی ایران و اهمیت آن و تاثیر این پهنه روی این وضعیت ژئوپلیتیکی نقش دارد و مولفه سیاسی درحقیقت همان شعار نه شرقی و نه غربی انقلاب است. این موضوع اگرچه ممکن است در بدو امر یک شعار منفی به نظر برسد ولی واقعیت امر این است که در پطن نه شرقی، نه غربی یک مطلبی وجود دارد که همان رویکرد مثبت سیاست خارجی ایران است؛ یعنی کار کردن با غرب و شرق. غربی‌ها موقعیت ژئوپلیتیکی و وزن سیاسی ایران در منطقه را درک می‌کنند ولی حاضر نیستند مابه‌ازای آن پرداختی داشته باشند، درحالی که عدم پرداخت مابه‌ازا امر مادی و مالی نیست، بلکه یک عنصر معنوی است.

این دو مولفه را باید به گونه‌ای دید که از نقش مثبت و سازنده ایران بتوان در حل مشکلات منطقه‌ای و بین‌المللی استفاده کرد؛ متاسفانه غربی‌ها با وجود اینکه به وضعیت ژئوپلیتیکی و سیاسی ایران واقف هستند ولی کم‌کاری کرده و به‌دلالی حاضر نیستند مابه‌ازای ارتباط با چنین جایگاهی را پرداخت کنند.